

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره

تاریخ: ۲۳ مهر ۱۳۹۶

موضوع جزئی: آیه اول: «الم» حروف مقطعه

مصادف با: ۲۴ محرم ۱۴۳۹

جلسه: ۲

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

در مورد سوره بقره آیه اول یا خود بسمله، مطالبی که در ابتدای سوره حمد گفته شد کفایت می‌کند، دیگر راجع به نکاتی که در بسم الله الرحمن الرحیم است بحث نمی‌کنیم، چون در بسمله سوره حمد این نکات و مطالب مورد اشاره و بررسی قرار گرفت.

آیه اول: «الم» حروف مقطعه

اولین آیه «الم» است، که به عنوان یکی از حروف مقطعه مطرح است، بطور کلی در قرآن ۲۹ سوره با این مقطعات آغاز شده است که ۲۷ سوره از این سور مکی است و ۲ سوره مدنی است، یعنی سوره بقره و سوره آل عمران، و به نام مقطعات یا فواتح السور یا حروف الفواتح یا أوائل السور معروف هستند، عمده همان عنوان مقطعات و یا حروف مقطعه است که بیشتر شهرت دارد ولی به آن عناوین هم معرفی شده‌اند، این حروف در بعضی از سور مثل سوره بقره یک آیه مستقل قرار داده شده‌اند، در بعضی از سوره‌ها هم دو آیه، یعنی آیه مستقل لزوماً یک آیه نیست، «الم» یک آیه است، اما مثلاً در سوره شوری «حم»، «عسق» دو آیه محسوب شده است، اما در بعضی از سور اساساً جزئی از خود آیه است، مثل سوره یونس و سوره هود و دیگر آیه مستقلی نیستند.

به طور کلی حروفی که در این مقطعات از ابتدا تا انتهای قرآن به کار رفته‌اند ۱۴ حرف هستند، یعنی از ۲۸ حرف حروف هجائیه، ۱۴ حرف آن در این مقطعات مورد استفاده قرار گرفته است.

به غیر از این توضیحات کلی که در مورد حروف مقطعات مطرح شد، دو مطلب باید در مورد اینها بحث شود، یکی معنای اینها است، که اصلاً اینها چه معنایی دارند، یکی هم در مورد اعراب اینها می‌باشد، یعنی از نظر جایگاهی که قرار می‌گیرند از حیث مبنی با معرب بودن، و اگر معرب هستند چگونه هستند، اینها حرف هستند یا اسم، یعنی یک توضیح مربوط به ساختار این کلمات از حیث صرفی و نحوی و یکی هم در مورد معنای این کلمات که اصلاً این حروف یعنی چه و به چه معنا می‌باشند و چرا در قرآن استعمال شده است، این یک بحث کلی است که مربوط به همه این ۲۹ سوره می‌شود و به خصوص در مورد بقره نمی‌باشد.

معنای حروف مقطعه

اما در مورد معنای این حروف یا به تعریف بهتر در مورد معنای مقطعات اقوال مختلفی ذکر شده است، مرحوم طبرسی در مجمع البیان ۱۱ قول ذکر کرده است.^۱ فخر رازی در تفسیر کبیر ۲۰ قول آورده است^۲، در البرهان هم ۲۰ قول ذکر کرده است^۳، مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی (ره) در تفسیر خودش ۲۶ قول احصاء کرده است^۴، به هر حال از ۱۱ قول تا ۲۶ قول برای معنای این مقطعات نقل شده است، ما فهرست وار حدود ۲۰ مبنا از این معانی را ذکر می‌کنیم و باید ببینیم در بین این معانی کدام معنا سزاوارتر است.

فقط عنایت بفرمایید که بسیاری از این معانی صرف یک احتمال است، مرحوم علامه طباطبایی در المیزان ۱۱ قول را از مجمع البیان نقل کرده و بعد فرموده است که اینها اکثراً معانی هستند که هیچ دلیل عقلی و نقلی برای آنها وجود ندارد و بیشتر به استحسان شبیه هستند، و آنوقت خود ایشان یک معنایی ذکر کرده است که اشاره خواهیم کرد، همین معنا هم از اشکالی که ایشان به دیگران کرده است میرا نیست.

بنده خیلی سریع این معانی بیست‌گانه را عرض می‌کنم تا بعد مقتضای تحقیق را هم در مسئله معلوم کنیم.

۱. معنای اول این است که این مقطعات از متشابهاتی هستند که علم آن مخصوص خداوند یا اولیاء خاص خدا که از طرف خدا مأذون هستند، می‌باشد. این احتمال قابل قبول نیست، چون اگر ما به معنای متشابه در قرآن دقت کنیم آیات متشابه در واقع آیاتی هستند که متحمل چند معنا می‌توانند باشند در حالی که برخی از این معانی قطعاً باطل هستند و لذا نمی‌توانند مقصود و مراد متکلم باشند، لذا اگر بخواهیم بگوییم مثلاً «الم» از متشابهات است باید ابتداءً این معنا قابل حمل به چند معنا باشد که بعضی از آن معانی قابل پذیرش نیستند، در حالی که این هیچ معلوم نیست، حتی ظهور در یک معنا هم ندارد که ما ببینیم آن معنا فاسد است یا صحیح است، چه برسد به اینکه بخواهد چند معنا برای آن تصویر شود، لذا این احتمال مردودی است.

۲. احتمال دوم این است که این حروف مقطعه در واقع نام همان سوره‌ای است که در آغاز آن ذکر شده است، مثلاً سوره بقره یک نام دیگر هم بنام «الم» دارد، یا بعضی از سور که با این حروف شروع شده اند، کنار نام‌هایی که برای آنها گفته شده این نام هم قرار گرفته است. این نظری است که شیخ طوسی آن را نظر خوبی می‌داند و حداقل قابل پذیرش می‌داند.^۵

ولی این معنا در حد یک احتمال و ادعا است و دلیلی این نظر را پشتیبانی نمی‌کند، اکثر این احتمالات مبتلا به همین اشکال هستند، یعنی ما نمی‌توانیم این احتمال را رد کنیم و بگوییم قطعاً اینطور نیست، احتمال اول را توانستیم دلیل بر

۱. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۱۲.

۲. تفسیر کبیر، ج ۲، ص ۵.

۳. البرهان، ج ۲، ص ۱۷۳.

۴. تفسیر حاج مصطفی خمینی (ره)، ج ۲، ص ۲۸۵.

۵. تفسیر تیان، ج ۱، ص ۴۹.

نفی آن بیاوریم، اما بسیاری از این احتمالات بیست گانه معانی هستند که فی نفسه اشکالی ندارد ما آنها را بپذیریم ولی مهم این است که دلیلی نه عقلاً و نه نقلاً برای اثبات آنها وجود ندارد.

۳. احتمال سوم این است که اینها همه نام‌های خود قرآن است، و اینها هم از اسامی قرآن است.

۴. احتمال چهارم اینکه اینها همه علامات اختصاری هستند که اشاره به اسمی از اسماء حسناى الهی یا اشاره به نام پیامبر دارند، این احتمالات را نوعاً در کتب علوم قرآن هم مورد اشاره قرار داده‌اند و ذکر کرده‌اند که هرکدام از اینها به چه چیزی اشاره دارد، مثلاً ابن سینا می‌گوید «الف» ناظر به خدا و «ل» ناظر به عقل اول و «م» ناظر به نفس کلی و هر کدام از اینها اشاره به این جهات دارد.^۱ این هم یک احتمالی است که «لا یدل علیه دلیل».

۵. اینکه اینها اجزای اسم اعظم الهی هستند به گونه‌ای که اگر این حروف و این مقاطعات به درستی و با بصیرت ترکیب شوند اسم اعظم ظهور می‌کند، و اسم اعظم هم در واقع نامی است که بوسیله آن می‌توان در عالم وجود تصرف کرد. لذا انسان‌های عادی نمی‌توانند به آن دسترسی پیدا کنند و مخصوص اولیاء و انسان‌های خاصی است که خداوند این علم را به آنها بدهد.

۶. مقاطعات در واقع قسم‌هایی هستند که خداوند یاد کرده است و علت اینکه خداوند به این حروف قسم خورده شرافت و حرمتی است که حروف الفباء دارند، حروف الفبایی که اجزاء کلمات و جملات قرآن هستند دارای حرمت و شرافت هستند و خداوند به این اجزاء سوگند یاد کرده است.

۷. اینکه این حروف بر طبق حساب أبجد اشاره به مدت بقاء اقوام و أجل آنها و نعمت‌های و بلاهایی که بر سر آنها می‌آید دارند، مثلاً در یک روایتی که خیلی اعتبار آن هم مورد تایید واقع نشده است آمده است «المص» ناظر به انقراض دولت اموی است، با توجه به همان حساب أبجد.

۸. اینکه بر اساس حساب جمل که خودش نوعی محاسبه است اشاره به بقای امت اسلامی دارد.

۹. اینکه در واقع اینها همان حروف الفباء هستند و صرفاً به عنوان نمونه و مثال ذکر شده‌اند و ویژگی خاصی ندارند.

۱۰. این حروف که در ابتدای بعضی از صور آمده، برای ساکت کردن کافران و هشدار و تنبه دادن به آنها بوده است، چون معمولاً این چنین بود که وقتی پیامبر(ص) می‌خواستند آیه ای را تلاوت کنند و یا در جمعی آیه‌ای را بخوانند کفار شروع به سر و صدا می‌کردند و گاهی کف و سوت می‌زدند و مانع می‌شدند که پیامبر آیات الهی را قرائت کند، خداوند متعال با این حروف که معنای خاصی به حسب ظاهر ندارند و عجیب به نظر می‌رسید این تنبه را می‌داد و این توجه را جلب می‌کرد، آنها نیز سکوت می‌کردند و آنوقت پیامبر آیاتی را می‌خواست می‌خواند.

این احتمالی است که نقض بسیاری دارد، البته این احتمال با آن نکته ای که عرض کردیم که ۲۷ سوره از سور قرآن با این حروف شروع شده است، و بیشتر این اذیت و آزارهای از این قبیل در مکه واقع شده است ممکن است سازگار

^۱ . تفسیر صدر المتالیهین(به نقل از ابن سینا)، ج ۶، ص ۱۵.

باشد ولی واقع این است که همیشه این چنین نبود که وقتی بخواهند آیه ای را بخوانند از اول سوره شروع کنند و چه بسا اساساً همه آیات این سوره‌ها نازل نشده بود.

۱۱. اینکه خداوند در واقع با این حروف تحدی کرده است، یعنی طلب کرده است از دیگران که اگر شما در معجزه بودن قرآن شک دارید با همین حروفی که در قرآن آمده است و ما در ابتدای سوره نقل کردیم چیزی شبیه قرآن بیاورید، این یک نوع تحدی است.

۱۲. این حروف نشانه غلبه استفاده از این حروف در همان سوره است، مثلاً حرف «ق» در سوره «ق» ۵۷ مرتبه تکرار شده و از همه حروف بیشتر است، این را در بعضی از حروف مقطعه دیگر هم دنبال کرده‌اند و مثلاً در «الم» شمرده‌اند که در آن سوره چه تعداد از این حروف بکار رفته است.

۱۳. اینکه حروف مقطعه برای رمز بندی و ایجاد فاصله بین سوره‌ها و پایان و ختم سوره قبلی و شروع سوره جدید است. مثلاً سوره حمد تمام شده است و برای اینکه سوره جدید شروع شده است «الم» آورده‌اند، این احتمال در بسیاری از سوره‌ها از ۱۱۴ سوره نیست، لذا بعضی از این احتمالات، اشکالات واضح و روشنی دارد.

از این تعدادی که گفته شد مهمترین اشکال آنها نبودن دلیل برای آنها است و صرفاً یک توجیه و استحسان است.

۱۴. اینکه مقطعات خلاصه و اجمالی از محتوای سوره‌هایی است که مصدر به این حروف هستند.

۱۵. اینکه اینها مقدمه و مفتاح سوره‌ها هستند.

۱۶. این که این حروف ناظر به نام کسانی است که نسخه‌های قرآن در اختیار آنها بوده است، مثلاً «سین» نظر به سعد بن ابی وقاص است، «ه» ناظر به ابو هریره، «ط» ناظر به طلحه است. البته این احتمال را مستشرقین گفته‌اند.

۱۷. اینکه این حروف به نوعی ناظر به تعداد آیات سوره‌ها هستند.

۱۸. اینکه این حروف در مقابل کسانی آورده شده است که معتقد به قدم قرآن بوده‌اند، این حروف برای این آورده شده‌اند که آنها بدانند که قرآن از همین حروف حادث تشکیل شده‌اند و لذا نمی‌توانیم به قدم قرآن شویم، قرآن یک موجود حادث است و شاهد آن هم همین حروفی است که در بعضی از سوره به عنوان مقطعات مورد استفاده قرار گرفته است.

۱۹. در اینجا یک احتمالی مرحوم علامه طباطبایی (ره) داده‌اند که می‌گوید: سوره‌هایی که حروف مقطعه دارند یک وجه اشتراک بین آنها است، یعنی این حروف مقطعه نشانه وجود اشتراک بین این ۲۹ سوره می‌باشد، که اینها در مضمون و سیاق با یکدیگر متناسب هستند و این تشابه فقط بین این ۲۹ سوره است و بین این ۲۹ سوره و سایر سوره‌ها چنین تشابهی نیست، البته ایشان چند شاهد هم برای ادعای خود می‌آورد.^۱ ایشان این بحث را بجای اینکه در ابتدای تفسیر سوره بقره به مناسبت «الم» بیاورند، در ابتدای سوره شوری که آن هم با حروف مقطعه شروع شده است بحث کرده‌اند.

^۱ المیزان، ج ۱۸، ص ۸.

۲۰. اینکه بگوییم حروف مقطعه حروفی رمزی و سرّی هستند بین خدا و پیامبر گرامی اسلام، و اساساً این حروف برای فهماندن یک مطلب به دیگران نیست.^۱

چند احتمال از این احتمالات شاید با یکدیگر قابل انطباق باشند ولی اصل آن همین هست که عرض شد، مرحوم علامه احتمال نوزدهم را پذیرفته و بعضی از بزرگان احتمالات دیگر را.

حال در بین این احتمالات بیست‌گانه، ضمن اینکه تأکید می‌کنیم بسیاری از این احتمالات اصلاً قابل استماع نیست چه برسد که انسان بخواهد بررسی کند، برای بسیاری از آنها دلیلی وجود ندارد و بعضی واضح البطلان هستند، و بعضی هم قابل بررسی بود، مثل احتمال اول که دلیل بر رد آن آورده شد، اما اکثر احتمالات صرفاً ادعاهای بدون دلیل و بلکه صرفاً استحسان بوده است، عمده این است که دو احتمال، یکی احتمالی که مرحوم علامه گفته‌اند و احتمال اخیر، کدامیک را می‌توانیم بپذیریم، شواهد مرحوم علامه را بررسی می‌کنیم و بعد قول حق را در مسئله معلوم می‌کنیم تا ببینیم معنای حروف مقطعه و فلسفه آوردن آن چه بوده است، و بعد هم وضعیت این حروف از حیث اعراب را بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. روح المعانی (الوسی)، ج ۱، ص ۱۶۷.